



PDF If you would like this Children's book ready to print in a Word document - [click here](#).



داستان جک دهقان

متن و تصاویر از Asbjorn Lonvig

ترجمه از مهرداد سعیدی

saeedimehrdad@yahoo.de

جک در مزرعه ای نه چندان دور از دریا زندگی می کند.
او دریا را نمی تواند ببیند، با وجود این درست بیرون مزرعه اش رودخانه ای به نام تنگ (Tange) وجود دارد.
بر روی آن پلی خیلی زیبا قرار دارد.
با تماشای رودخانه از روی پل جک می تواند دریا را حس کند.
او می داند که اگر بطری نامه بری را از پل در رودخانه بیاندازد،
بطری روزی سر از نیویورک، سیدنی و یا جزایر گالاپاگوس در اقیانوس آرام در می آورد.
این به جک یک جور دلخوشی می دهد.
جک عاشق دریاست.



این جک دهقان است.

تو می توانی چکمه های ولینگتونی [اشاره به شهر Wellington پایتخت زلاند نو] او را تشخیص بدهی.

او به آنها «ولیز» می گوید.

جک اغلب در جاهای کثیف کار می کند و به همین خاطر باید چکمه های لاستیکی بپوشد.

آدمهای زیادی در دنیا نیستند که چکمه های قرمز دارند.

ولی جک یک جفت از آنها را دارد.

می خواهی بدانی چرا؟

آخر جک عاشق رنگهای قرمز، زرد، سبز و آبی است.

او عاشق کلاه نقاب دار و چکمه های ولینگتونی است.

امروز جک تولد دارد و برای همین چهار تا هدیه خریده است.

یکی در یک پاکت قرمز،

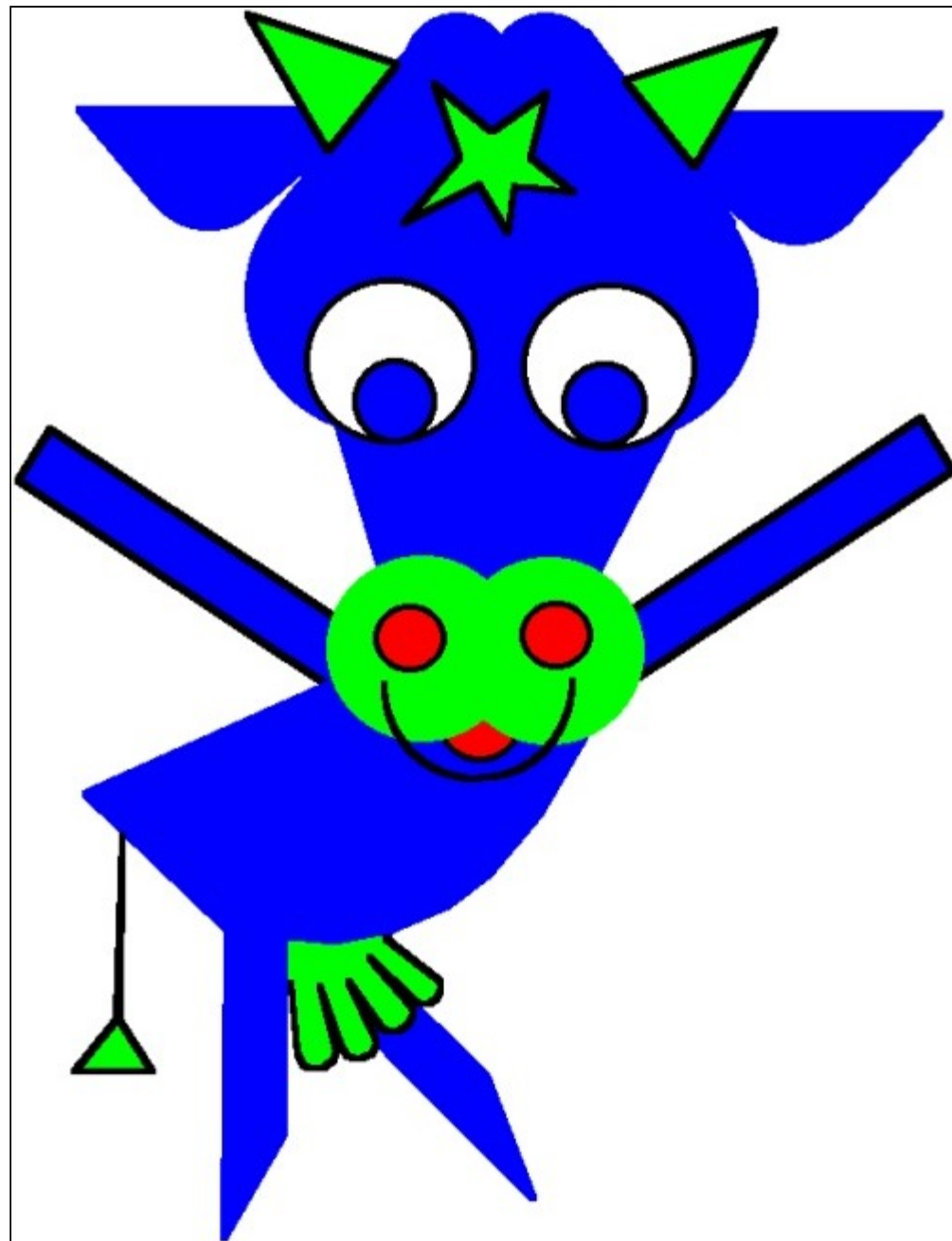
یکی در یک پاکت زرد،

یکی در یک پاکت سبز،

یکی هم در یک پاکت آبی رنگ است.

در هر پاکت یک کلاه نقاب دار و چکمه گذاشته بود.

می توانی ببینی او چطور در حال امتحان کردن اندازه ی کلاه نقاب دار و چکمه ها بر روی خودش است.



مارگارت یکی از دو گاو مزرعه ی جک است.

معمولاً گاو ها در طویله ایستاده غذا می خورند.

مارگارت غذایش را تمام کرده است.

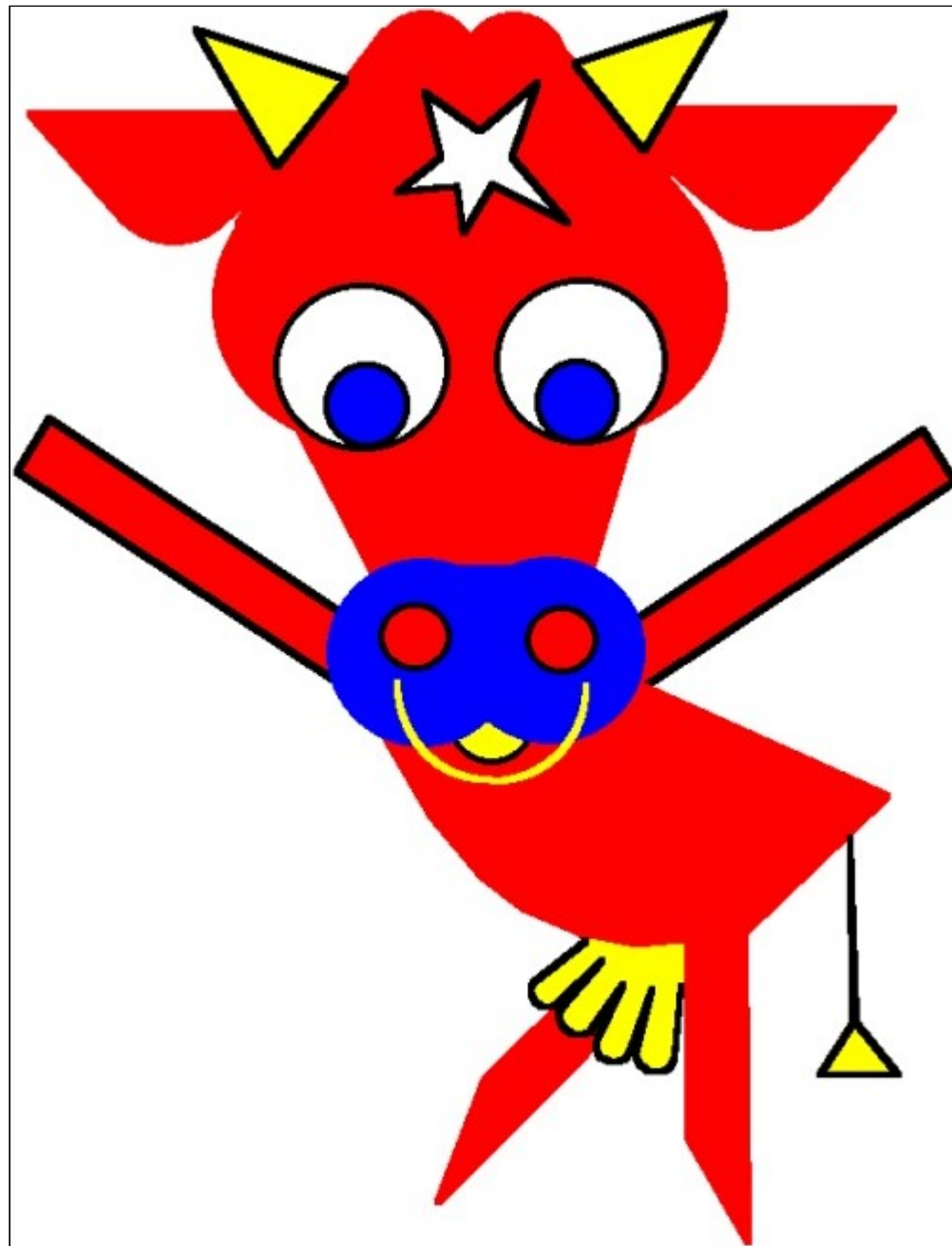
طویله ی جک دهقان مثل یک طویله ی عادی به نظر نمی آید.

بیشتر شبیه به یک سالن تئاتر باله است.

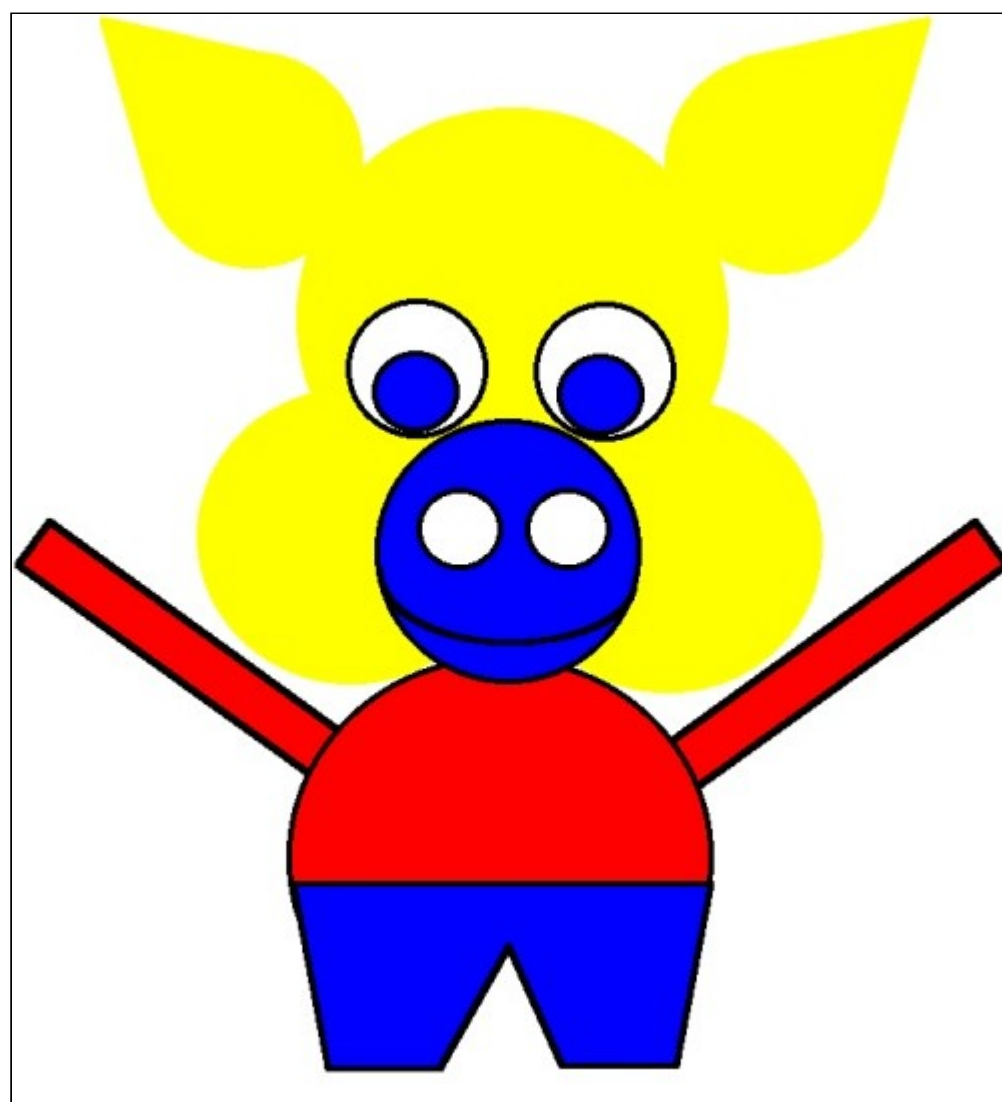
مارگارت دارد باله می رقصد.

از آنجایی که صدای خوبی برای آواز خواندن ندارد،

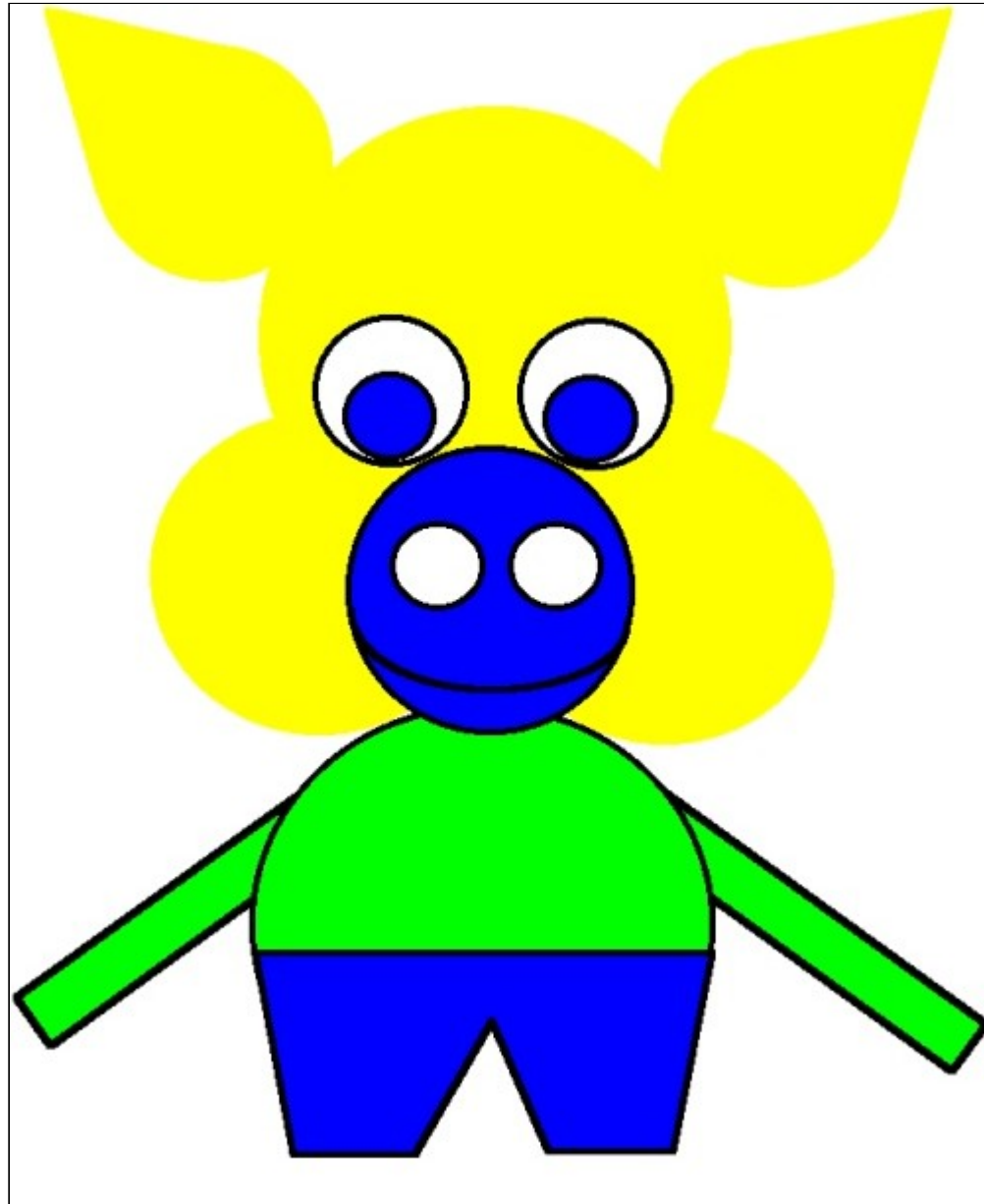
باله می رقصند.
گاوهای خوشبخت آواز نمی خوانند.
آنها می رقصند.



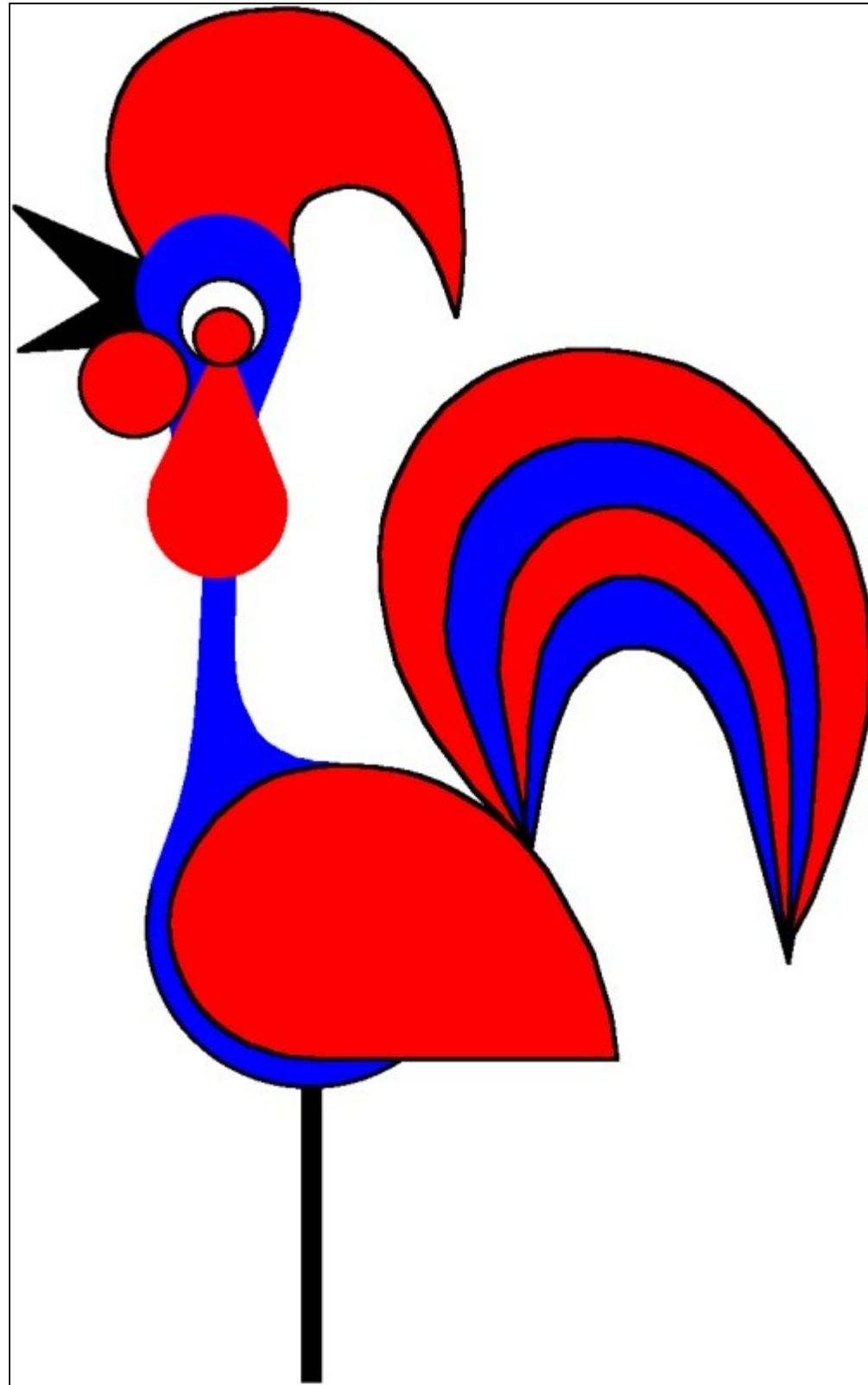
خواهر مارگارت هم باله میرقصند.



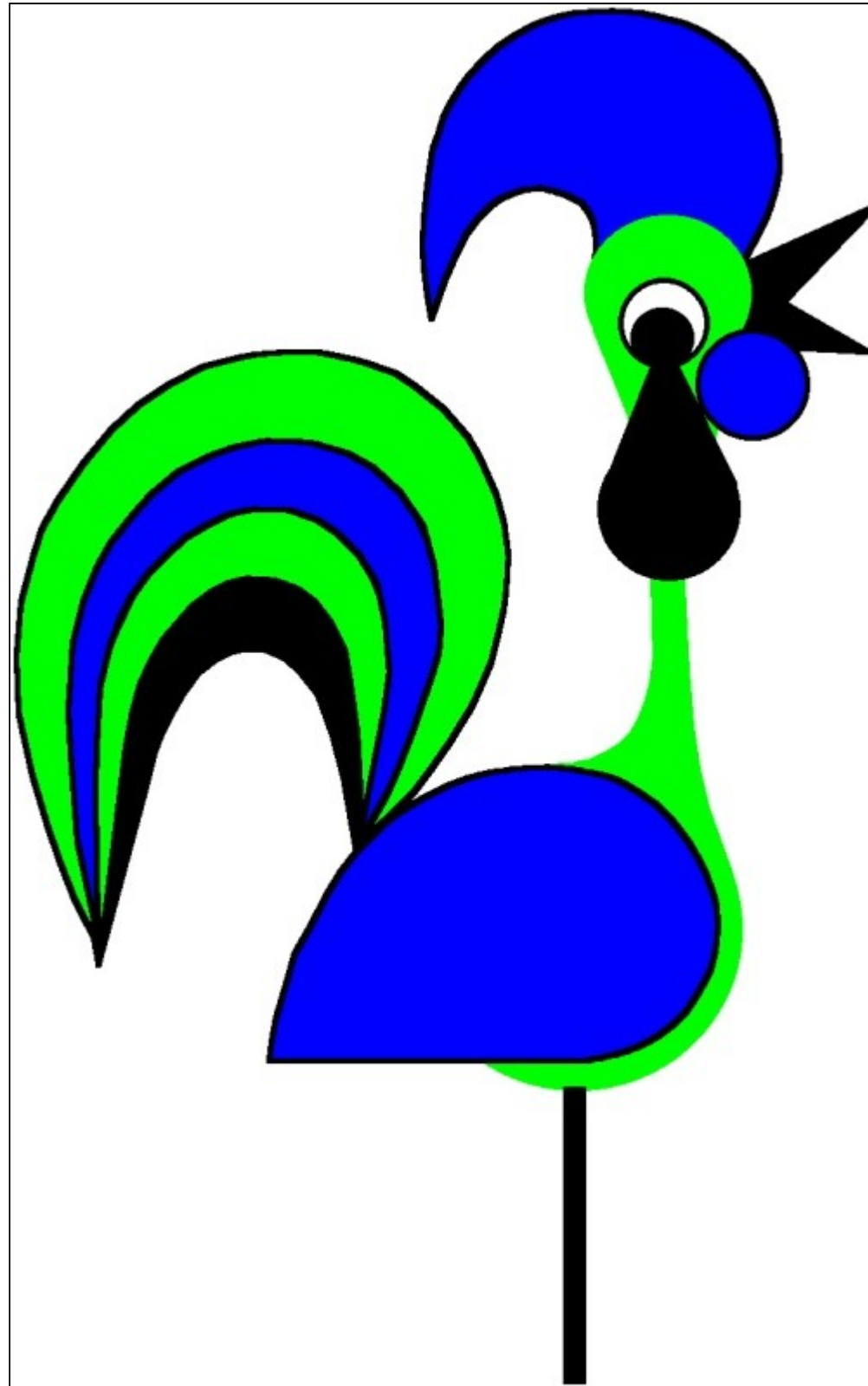
نیکلای علاقه ی زیادی به رقص باله دارد.
 او تماشاگر مشتاقی است.
 کفشهای باله ی او ناپدید شده اند.



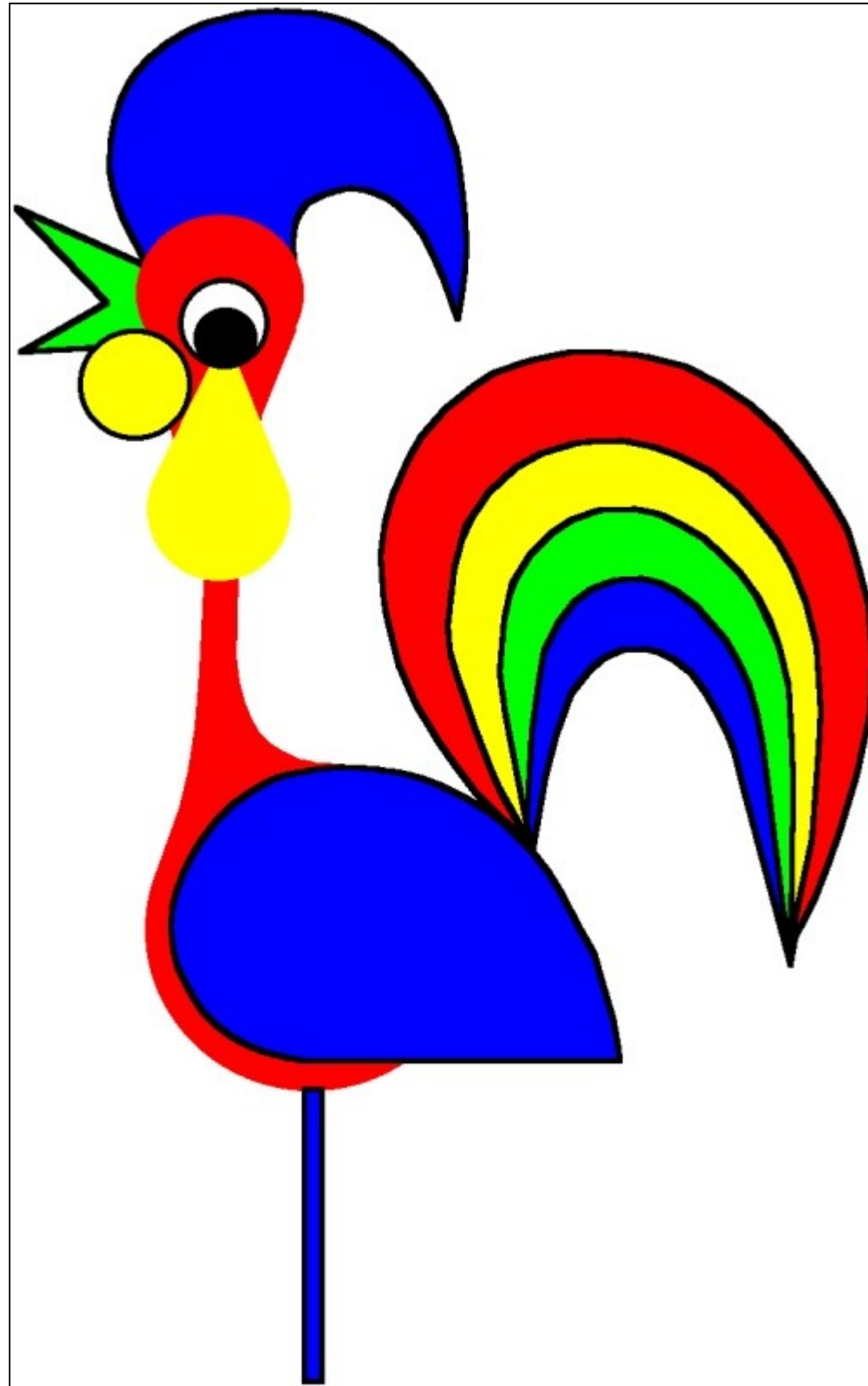
برادر کوچک نیکلای هم عاشق باله است.
 او می خواهد مثل دیگران باله برقصد.
 او به دقت در حال تماشای آنها است.
 خیلی زود بعضی از قدم های مشکل را از بر می شود.
 و از روی ذوق خرناسی می کشد.



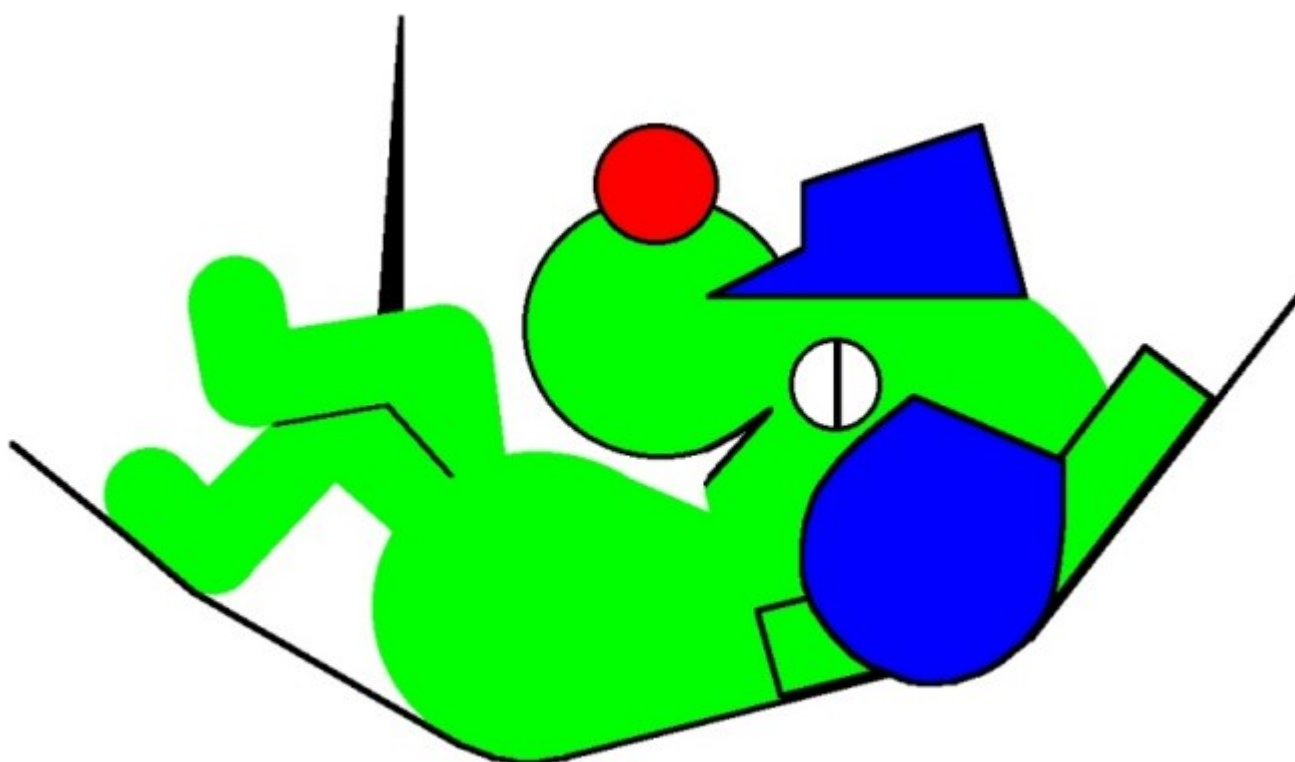
این خروس اسمش آوگست آبی است.
هر سه خروس جک از شهر لیسابون [پایتخت پرتغال] می آیند.
آنها بلند به زبان پرتغالی قوقولی می کنند.



اسم این خروس آگوست سبز است.

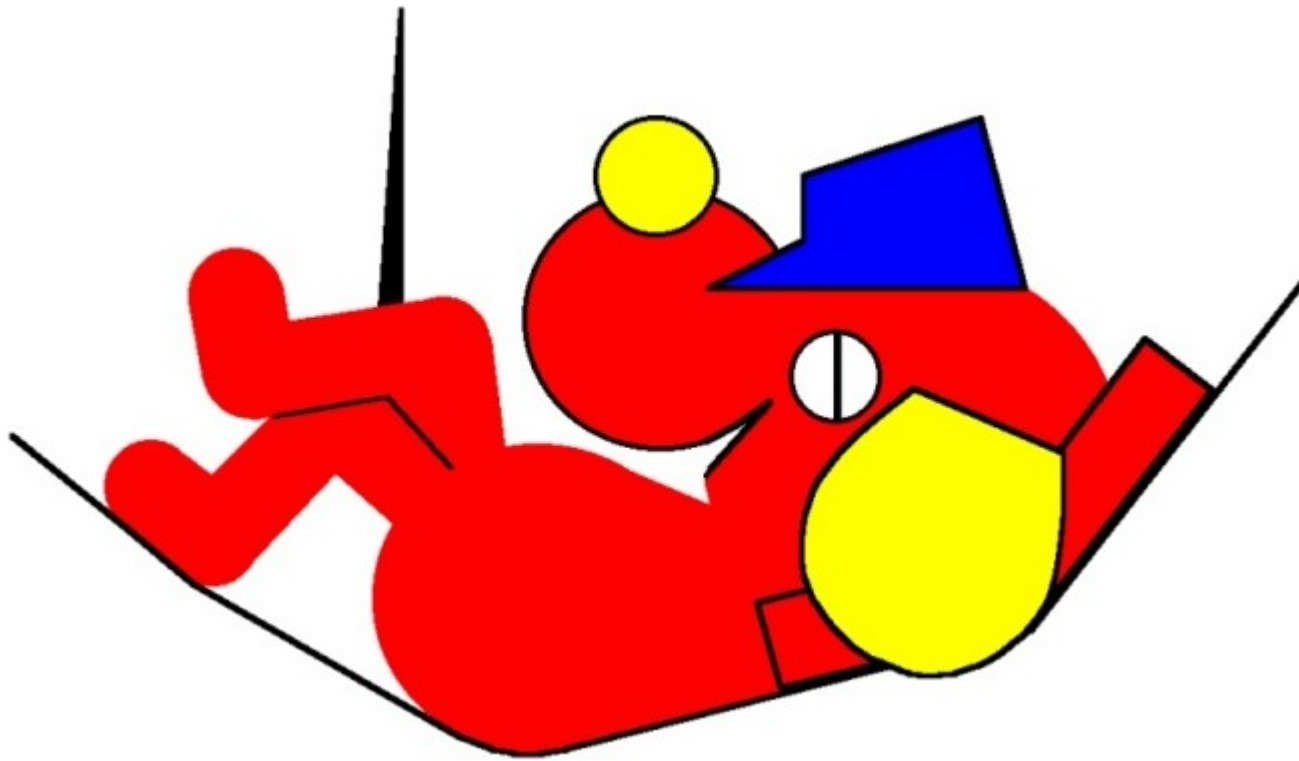


و این خروس هم آگوست رنگین کمان است.
 او خوش صداترین خروس مزرعه است.
 سعی کن تصور کنی که چطور این گروه گر پرتغالی آواز می خوانند!

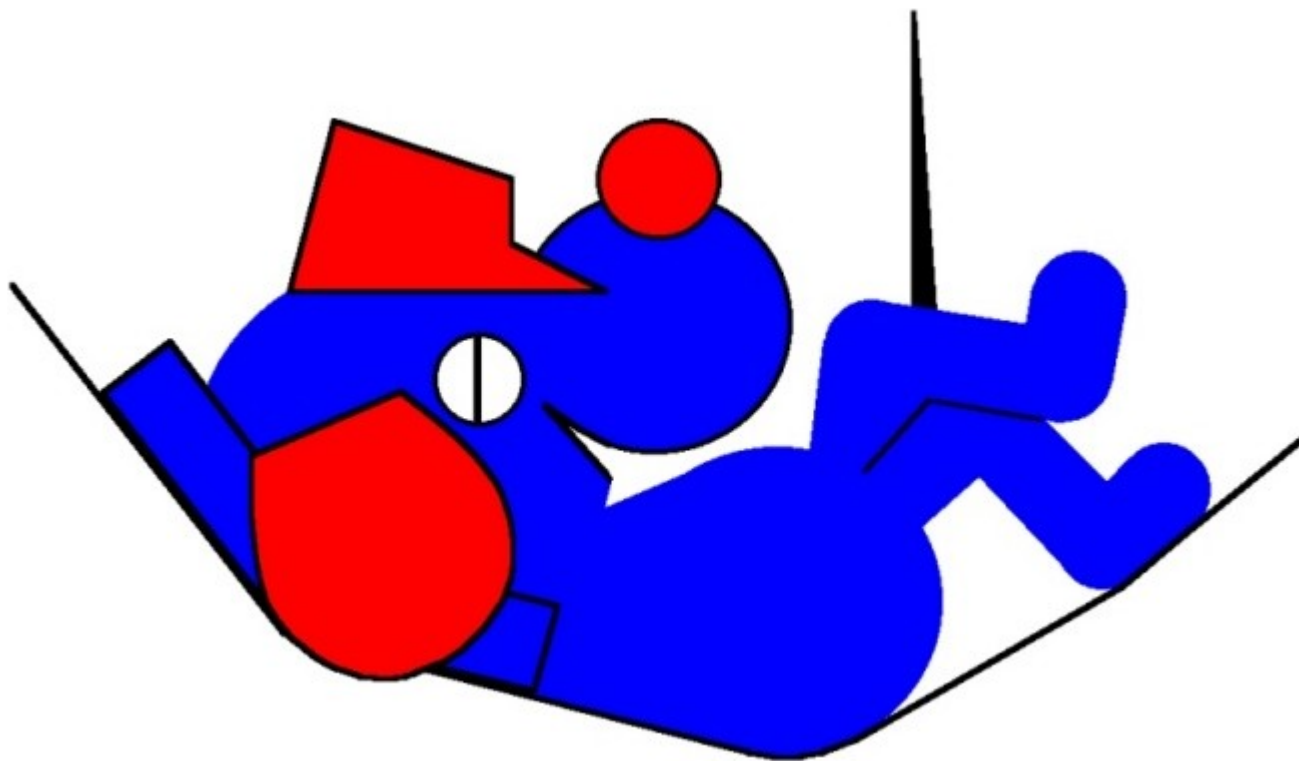


سگ سبز خواب آلو از رقص و آواز خیلی خوشش می آید.

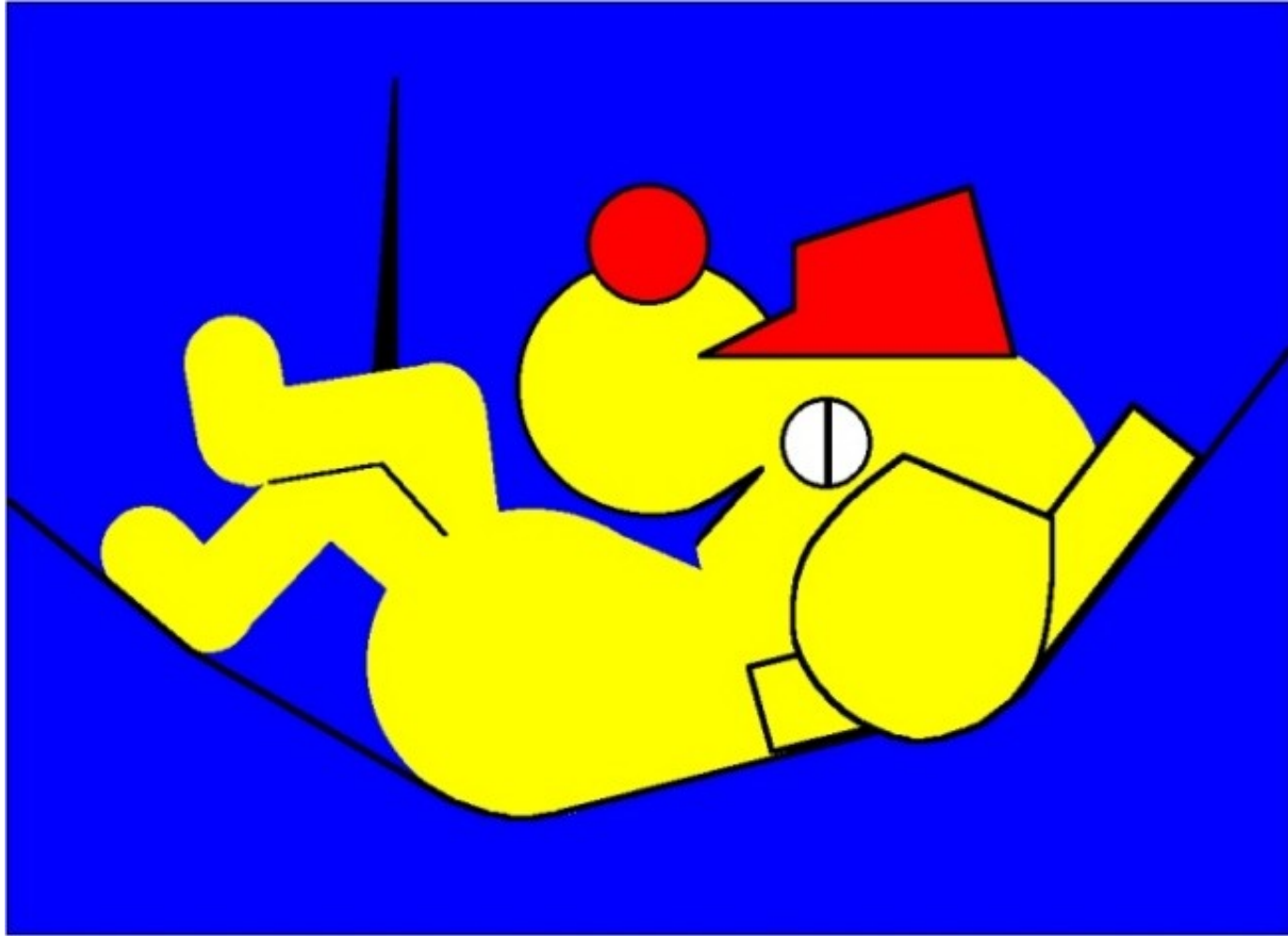
او لبخندی بر لب دارد.
و دمش رو به آسمان راست در هوا ایستاده است.



سگ قرمز خواب آلو از رقص و آواز خیلی خوشش می آید.



سگ آبی خواب آلو از رقص و آواز خیلی خوشش می آید.



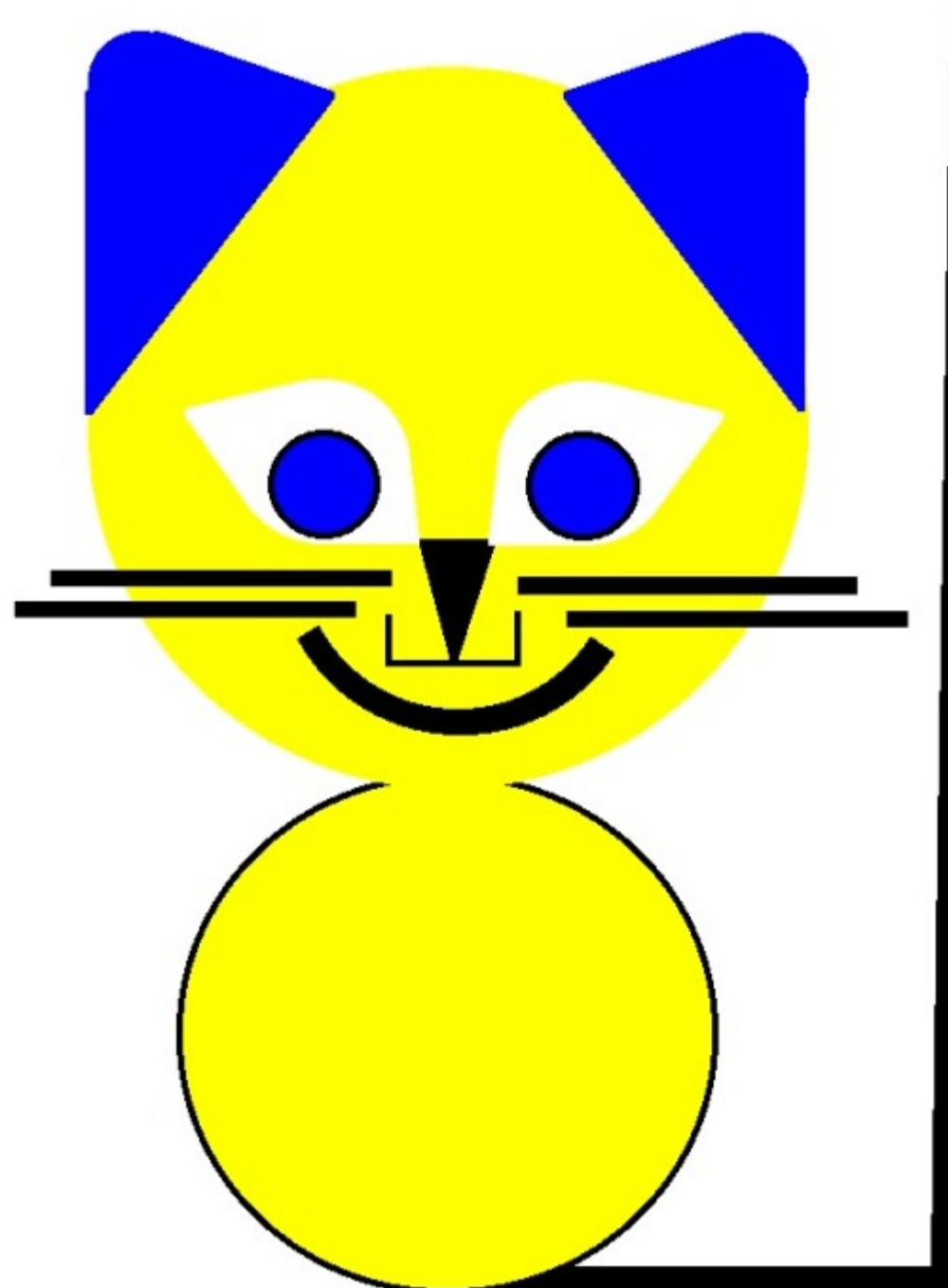
حتی سگ زرد خواب آلو نیز از رقص و آواز خیلی خوشش می آید.

با تاریک شدن هوا هنوز برنامه ی تفریح حیوانات ادامه دارد.

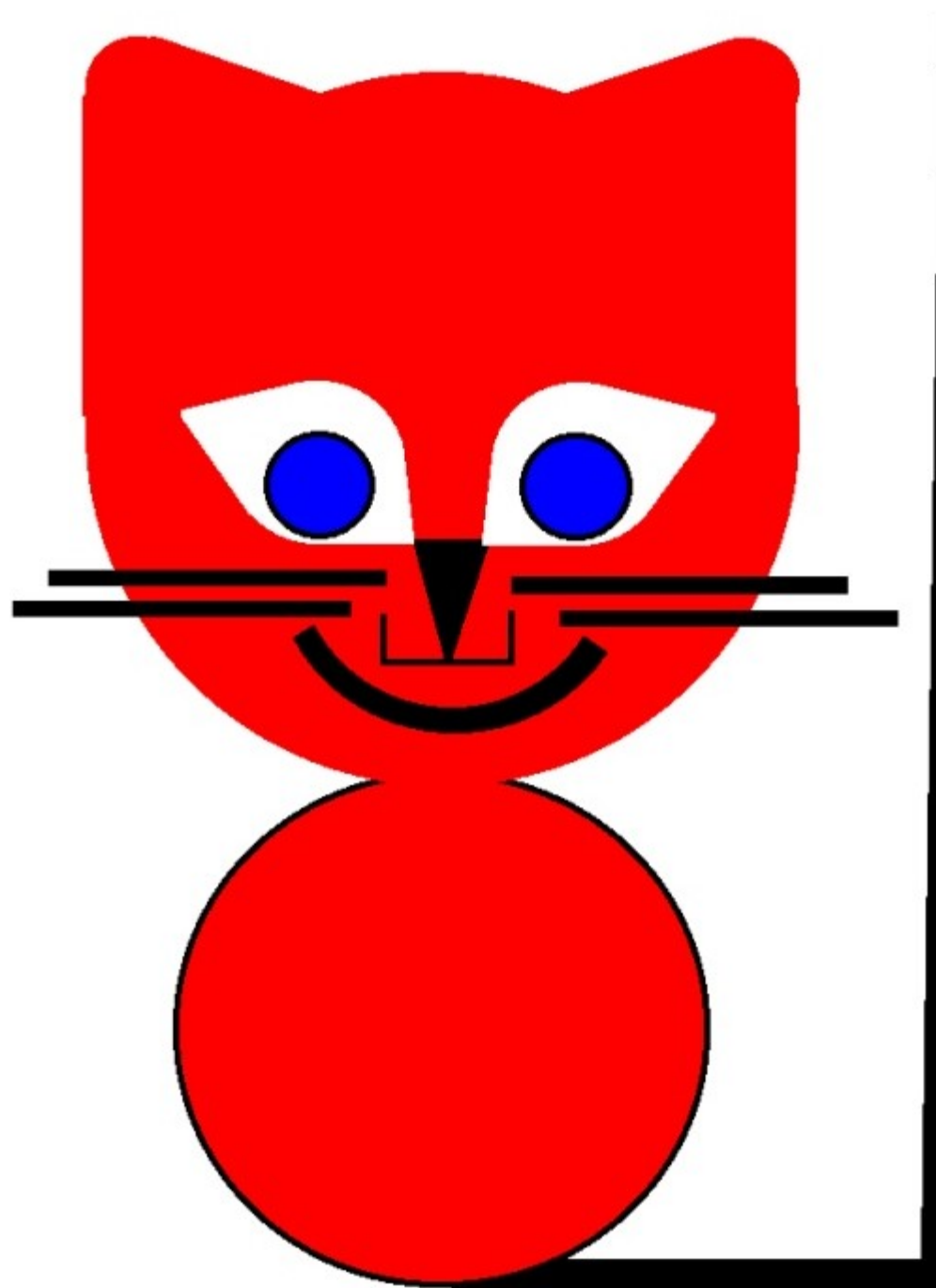
اما ...

ناگهان صدایی تازه وارد آواز خروس ها می شود.

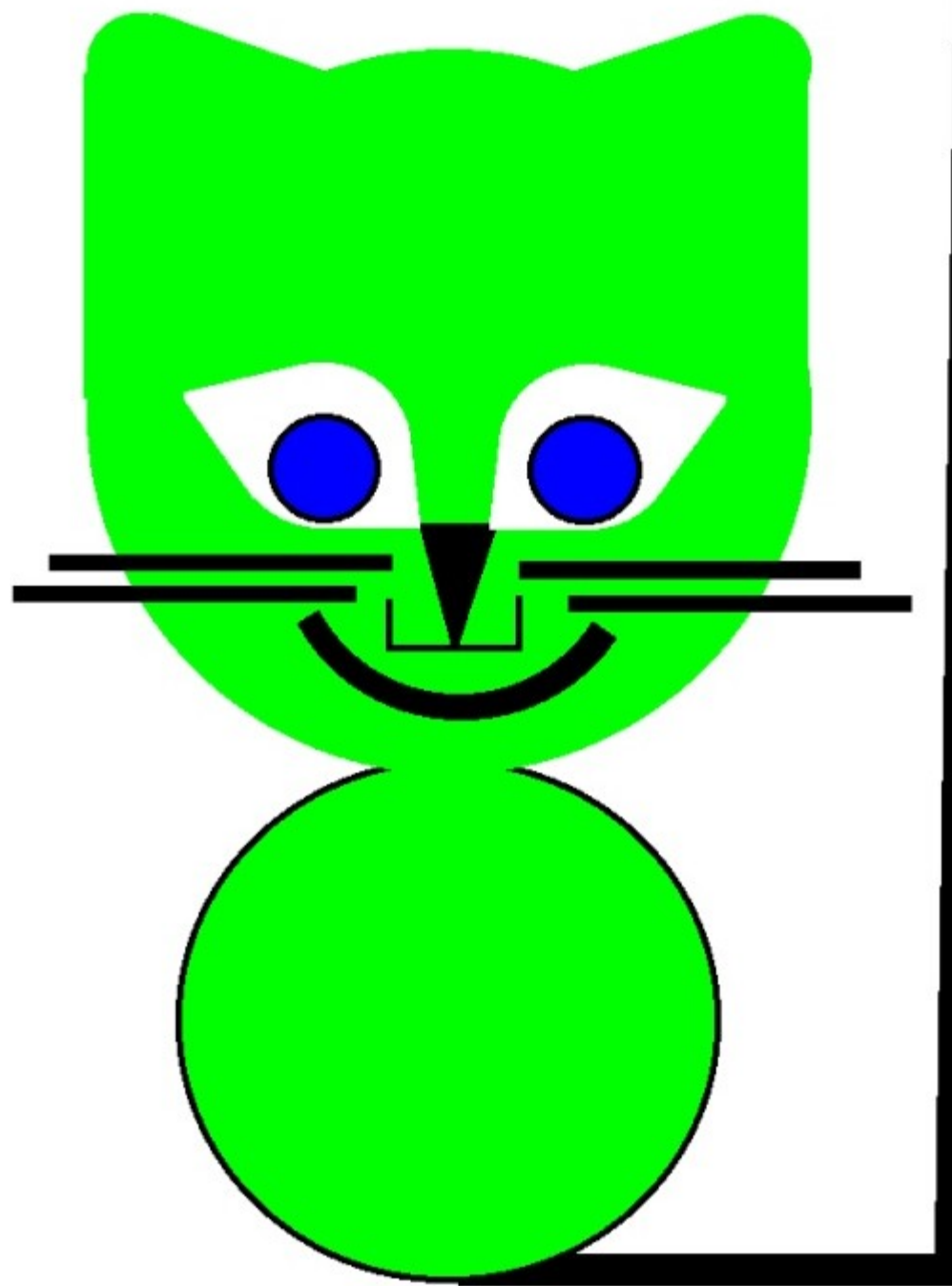
سگ زرد خواب آلو به این زودی به خروپف کردن افتاده است.



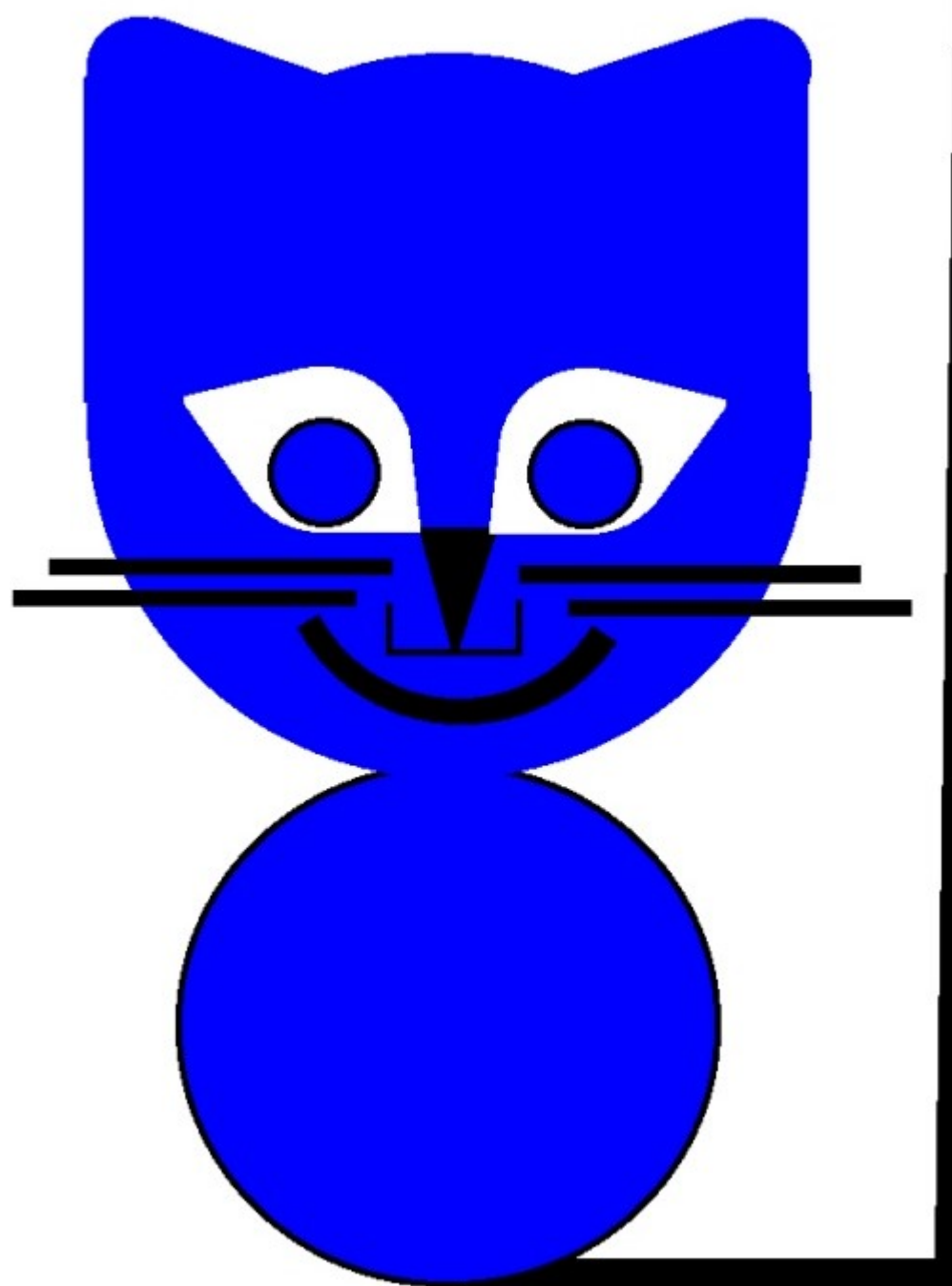
گربه ی زرد هم گوش می دهد و هم تماشاچی است.
او از روی نشاط خرخر می کند.



گربه ی قرمز خرخر می کند.



گرچه ی سبز خرخر می کند.



همینطور گرچه ی آبی بلند در حال خرخر کردن است.

جک دهقان تازه یک نامه نوشته و آنرا با یک بطری نامه بر از روی پل زیبای رودخانه به آب انداخته است که صدای چیزی از درون طویله به گوشش می رسد.
 با کنجکاوی گوش فرا می دهد.
 آنوقت بی اندازه احساس شادی می کند.
 او هم دوست دارد در میهمانی مزرعه شرکت کند.



جک کلاه نقاب دار سبزرنگش را که مخصوص میهمانی است، به سر می گذارد.
 همچنین پیراهن آبی میهمانی اش،
 کراوات سبز میهمانی اش،
 شلوار قرمز میهمانی اش،
 و از همه مهم تر، چکمه های سبز میهمانی اش را می پوشد.
 میهمانی آن شب با حضور جک هر دقیقه بهتر و بهتر شد.

گاو ها باله رقصیدند.
 جک هم باله رقصید.
 خوک ها خرناس کشیدند.
 جک هم خرناس کشید.
 خروس های پرتغالی قوقولی کردند.
 جک هم قوقولی کرد.
 سگ های تنبل و خواب آلود خروپف کردند.
 جک هم خروپف کرد.
 گربه ها خرخر کردند.
 و جک هم صدای خرخر درآورد.

پایان

COPYRIGHT ASBJORN LONVIG